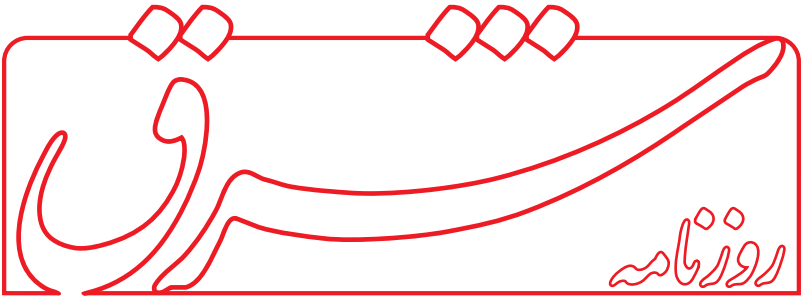




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹ و ۸۸۸۰۷۱۹ نمابر: ۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۳ اذان مغرب ۱۷:۱۱ اذان صبح فردا ۵:۲۷ طلوع آفتاب ۶:۵۶



شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲ ۲۶ محرم ۱۴۳۵ ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۹۲ صفحه ۱۶



پاموک در «شهر کتاب»

شرق: نشست هفتگی شهر کتاب، سه‌شنبه ۱۲ آذر ساعت ۱۶:۳۰ به بررسی جهان داستانی اورهان پاموک اختصاص دارد که با حضور امیرعلی نجومیان، عرفان دنیز (محقق ترکیه‌ای)، ته‌میننه زاردشت (مترجم نام من سرخ) و عین‌الغریب (مترجم نام من سرخ و کتاب سیاه) در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهیدبهبشتی، شهیداحمد قصیر، نیش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این نشست، قرار است به سوال‌هایی همچون: آثار اورهان پاموک چه ویژگی‌هایی دارد که به ۴۶ زبان ترجمه شده و شهرتی جهانی به دست آورده است؟ پاسخ داده شود.

از هر نظری ضرر

کن فرهنگی



یوریا عالمی

● به‌نظر ما مدیریت فرهنگی و درواقع کاری که وزارت ارشاد و صداوسیما می‌کنند، «مدیریت گنی» است. حالا چرا گنی؟ چون آدمی که از هیکلش راضی نیست و بدقواره و چلی است، جلو میهمان رودرپاسی‌دار گن تن می‌کند تا ظاهرسازی کند و چربی و قناسی هیکل را ببویشاند. مدیریت فرهنگی هم همین‌طوری است. توی کتاب آنقدر حساسیت به‌خرج می‌دهند که حتی چهار تا فحش مستعمل کاربردی را حذف می‌کنند، حتی کلمه مرتیکه را که از لحاظ دستوری فحش نیست و تغییرشکل یافته «مردی که...» است که بر اثر استفاده و صیقل خوردن در زبان کوچه، به کلمه‌ای مستقل تبدیل شده است، باید حذف شود. تا صحنه‌های عاطفی و احساسی، توجه کنید که الان بیشتر این چیزها را گیر می‌دهند چون اصولا کسی اصلا داستان سیاسی نمی‌نویسد. اصلا یک دلیلی که بیشتر نویسندگان داستان‌های اپارتئلی روی آوردن این بود که اینطوری یکی یا دوتا آدم بیشتر در کار نیست و این یکی، دوتا آدم هم از توی اپارتئمان که نمی‌توانند فعالیت سیاسی کنند برای همین هی به درد دیوار خیره می‌شوند تا داستان تمام شود. خوب، چه گیر سیاسی‌ای دارد؟ هیچی. برای همین بررس محترم برای اینکه حقوقی که می‌گیرد درست باشد، باید نشان بدهد که کار کرده، خوب چی کار کند؟ نویسنده نه موضوع سیاسی مطرح کرده، نه موضوع عقیدتی. خوب، گیر می‌دهد به حرف‌زدن و پوشش و این چیزها. مثلاً به کتابی گیر داده بودند که یک جای داستانش خاتم فلائی زیر باران می‌ماند و بعد وقتی به منزل یا میهمانی موردنظرش می‌رسد می‌نشیند روی میل. بررس گفته بودم: اگر این خاتم زیر باران ملده پس لباسش خیس شده و به تنش چسبیده، پس درست نیست باین وضعیت اسفناک و خطرناک در طول میهمانی روی میل بنشیند. پس باید حذف شود. می‌بینید؟

از طرفی هرچی کلمه و ترکیب کتابی و فحش و ناسزا باشد باید حذف شود. مثل همان مرتیکه‌ای که عرض کردیم. همین ادا و اطوار در هنرهای دیگر هم هست. به نظر ما، مدیران فرهنگی ما به‌نظرشان این چیزها بی‌ادبی است. برای همین حذش می‌کنند تا اجنبی‌ها توی خارج، یا حتی مثلاً ۲۰ سال دیگر توی همین مملکت، مردم بگویند دوره فلان مدیر و فلان وزیر، خیلی دوره اخلاقی خوبی بوده چون توی داستان‌ها و کتاب‌ها هیچ کس حرف بی‌ادبی نمی‌زده و کار غیر اخلاقی نمی‌کرده و رفتار پرخطر نداشته است.

اینجاست که می‌گوییم سیاست فرهنگی ما سیاست گنی است. یعنی به خودمان سخت می‌گیریم و نفس را حبس می‌کنیم و شکم را می‌کنیم تنو، تا بتولیم لباس میهمانی تیمان کنیم. غافل از اینکه شاعر فرمود: خلی خوش‌هیکل است، لب خزینه هم می‌نشیند. این از این اما اگر دقت کنید عزیزان و دلاورانی که از گن استفاده می‌کنند، درست است که در کل هیکل را ردیف نشان می‌دهند، اما این چربی‌ها از یکجای می‌زند بیرون و لباس قناسی باد می‌کند و قضیه تالو می‌شود.

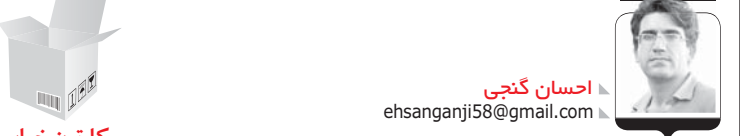
این یعنی چی؟ یعنی کتاب دوسه‌هزار جلدی را اینطور ممیزی کردن، ایرادی هم ندارد، همه می‌گویند وای چه ادبیات ایران پاستوریزه است، اما به‌رحال رفتار عمومی و رسمی را که نمی‌شود ممیزی کرد، یعنی نمی‌شود که کنار دست هر مدیر و مسئولی یک بررس نشاند تا دور کلمات خطرآفرینش خط قرمز بکشد. مثل قضیه لولو و ریختن آب به جایگاه مخصوص که این دوتا مثال ما از تلویزیون و رادیو پخش شده است. مساله البته فقط دولتی نیست. مثلاً نمی‌شود نمونه فراموش‌ناشدنی پرتاب چاقوسی و به‌زبان آوردن کلمه کاربردی...! را از زبان یک نماینده مجلس فراموش کرد. خوب این هم از رادیو پخش شده است.

خب حالا تاثیر گن فرهنگی گموگور کردن چهار تا لکوپیس است. مگر تاثیر تیراز دوسه‌هزار تایی کتاب را می‌شود با مخاطبان میلیونی رادیو و تلویزیون مقایسه کرد؟

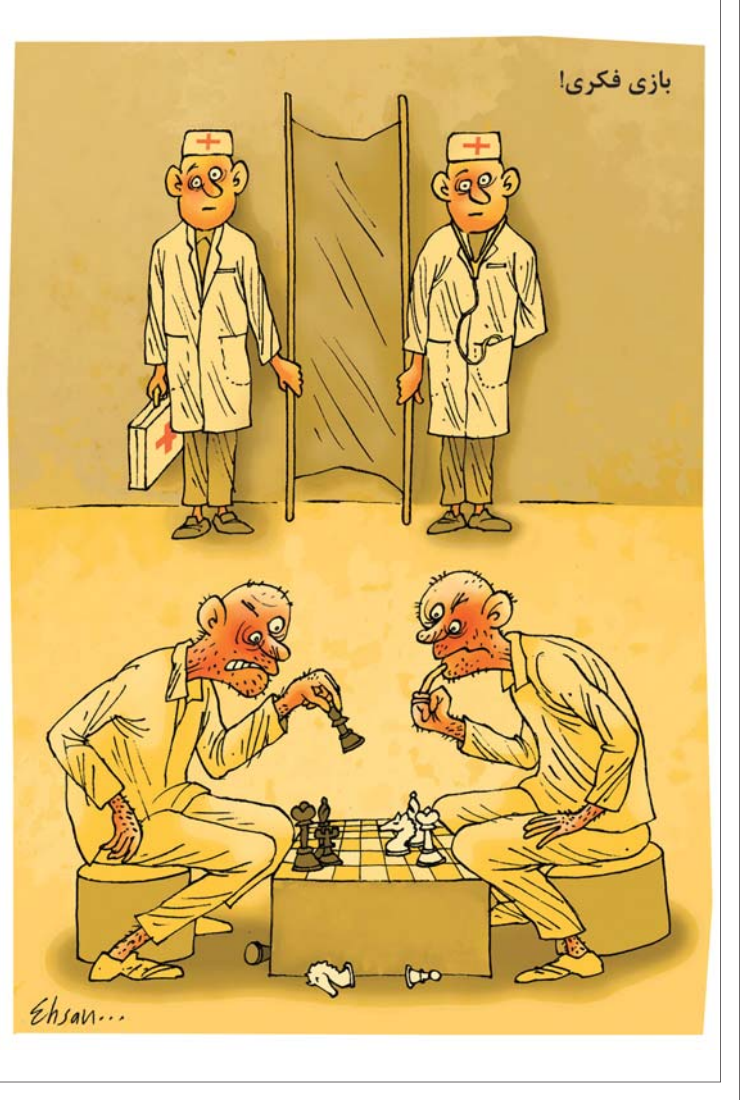
پیشنهاد ما این است که بگذارند کتاب‌ها چاپ شود، اگر آب از آب تکلن خورده، بیایند زیرآب ما را بزنند و بگویند فلائی آب بسته به فرهنگ و رفتار عمومی آبکی شده اما به‌جاش بررس‌های ارشاد را بپردازند و هر کدام را بگذارند بالاسر مسوولان و مدیران که تربیت‌ناشنا مخاطب میلیون‌نفری دارد تا ممیزی در لحظه کنند. اینطوری جامعه هم مصون می‌ماند.

چقدر حرف‌مان جدی شد. ببخشید از دستم در رفت. آخر آقای روحانی گفته بود همه‌چیز در فرهنگ و ادبیات آرومه، ما دیدیم این آرامش بعد از توفانی است که قبل از توفانی دیگر است، گفتیم هشدار بدهیم. بعد هم به‌له همه‌چیز در فرهنگ و ادبیات آرام است چون عملا کسی تولید ادبیات یا کار فرهنگی نمی‌کند.

مثل اینکه برای از بین‌بردن تلفات جاده‌ای اجازه ندهند هیچ ماشینی از خاله بیرون بیاید. به‌له نتیجه این می‌شود که آمار تلفات جاده‌ای صفر می‌شود، اما از این به‌بعد همه می‌دانیم برای شیک جلوه‌اند قضا و پنهان کردن قناسی‌ها، از چه سیاستی استفاده شده «سیاست گنی»



کارتون خواب



کافه

نظر

پروازی که تاریخ‌ساز می‌شود

عسل عباسیان: بعد از این همه سال گسست بین ایران و غرب، با توافق بین ایران و ۵+۱، «بوی بهبود از اوضاع جهان» به مناسم می‌رسد. چندی است که مسوولان مختلف از رییس سازمان هواپیمایی تا معاون وزیر راه و شهرسازی می‌گویند تا کمتر از یک‌ماه دیگر پرواز مستقیم به ایران برقرار می‌شود و مقدمات راه‌اندازی اولین خط هوایی مستقیم بین ایران و آمریکا در حال تدارک است. پاسخ‌های چند نفر از چهره‌های نام‌آشنا را در پاسخ به این سوال که آیا این اتفاق ممکن است یا خیر و به‌زعم آنان ایجاد خط مستقیم پروازی بین این دو کشور چه تحولاتی را در پی دارد، در ادامه می‌خوانید.

امیررضا خادم ◀ عضو سابق شورای شهر



به نظر من روابط دیپلماتیک در بین کشورهای مختلف نباید اثری بر روابط ملت‌ها داشته باشد. راجع به آمریکا هم همین‌طور. من معتقدم اگر روابط دیپلماتیک با چالش مواجه است، لازم نیست رابطه بین دو ملت نیز اینگونه باشد، بنابراین با دایرشدن پرواز مستقیم بین ایران و آمریکا موافقم و باید این اقدام در همین فضای روابط بین دو ملت تعریف شود. قریب به دومیلیون ایرانی مقیم آمریکا هستند، بنابراین با ایجاد چنین پروازی، رفت‌وآمد نخبگان ایرانی مقیم آمریکا و سایر شهروندان، تسهیل می‌شود و این به نوعی شرایط را فراهم می‌کند تا حمایت دولت از ایرانیان خارج از کشور بهتر شود و البته حتما در بخش توریسم نیز تاثیر خوبی خواهد داشت.

مجیدرضا حریری ◀ عضو اتاق بازرگانی تهران



این مساله چندان به رابطه ایران و آمریکا ربطی ندارد و حتی اگر فرض بگیریم که امکان پذیرد، هیچ تاثیر مستقیمی بر مساایل اقتصادی نخواهد داشت. چون در حال حاضر ایران با آمریکا رابطه اقتصادی ندارد. تصور می‌کنم موضوع ایجاد این پرواز بیشتر یک علامت و یک نشانه است تا اینکه یک فعالیت حقیقی اقتصادی باشد. اصلا نمی‌دانم با توجه به اینکه رابطه بانکی بین ایران و آمریکا وجود ندارد، تا چه حد موضوع ایجاد این پرواز عملی است. به نظر من در حال حاضر ایجاد چنین پروازی یک مقدار عجیب و غیرعملی است و اگر هم تحقق یابد، تاحدی نمایشی است. اگر چه در همان حد نمایشی هم اگر باشد، بسیار خوب است چون نشان می‌دهد روابط بین‌المللی ما عادی است و به وجهه بین‌المللی ما کمک می‌کند، منتها در واقعیت اقتصادی امروز کشور ما اتفاق قابل توجه و موثری نخواهد بود.

سیروس ابراهیم‌زاده ◀ بازیگر و کارگردان تئاتر



من طرفدار پروپاقرص روابط زمینی و هوایی آشتی‌جویانه با تمام مردم دنیا هستم. از «پورکینو فاسو» بگیر و بیا تا برسی به «یونایتد استیتس» و آمریکا... چقدر عالی است! در تهران-فروگاه امام - از پله‌های طیاره برو بالا و در نیویورک -فروگاه کندی- از پله‌ها بیا پایین، آن هم بدون معطلی‌های جان‌فرسای چهار تا ۲۴ ساعته بالا، پایین‌شدن‌های وسط راه... و برای مسوولان این پروژه چند پیشنهاد دارم: الف- در داخل هواپیما همان هرچه شعار و شمایل شادی‌بخش بیشتر به در و دیوار باشد بهتر است. ب- در منو غذای مسافران «آب‌گوش» را از قلم‌نبدن‌آزم که خوراک تاریخی و ملی ماست... و چه می‌چسبد آن بالاها ترید نان سنگک و گوشت کوبیده با ترشی لیت... به به! به به! ج- میهمانداران به تأسی از سنت اباباجنادی خویش از صمیم قلب میهمان‌نوازی کنند با لباسی تمیز و چه‌بسا سنتی... د- و سر انجام برای اینکه به هر حال خود را از مزمره‌کردن خطرات محروم نکنیم بهتر است درجه‌بندی فضای هواپیما را به جای «بیزینس کلاس»، شیط بزرگ و به جای «اکنونومی کلاس»، شیط کوچک نامگذاری کنیم. والسلام!

آموزشگاه آزاد سینمایی موج‌نو

بامعجز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۳۶/۱۳۰

بازیگری کارگردانی فیلم‌نامه‌نویسی

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

۸۸۸۸۹۶۷۰ www.mojenofilmschool.com

پشت جلد

لزوم توجه بیشتر به محیط زیست

از حاشیه به متن



کریم ارغنده‌پور

متفاوت است. انقراض طبیعی بخشی از روند تکاملی جهان محسوب می‌شود ولی تاثیر انقراض مصنوعی به خاطر بی‌توجهی انسان به طبیعت یا خطرناک‌تر از آن، دستکاری‌های عمدی در طبیعت که می‌تواند با نیت‌های سوداگرانه یا غیر آن باشد معمولاً به پیدایش وضعیتی منجر می‌شود که کیفیت زندگی نوع انسان را برای درازمدت تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و راه را برای تغییرات ناگزیر و نامطلوب می‌گشاید. با این فرض حمایت از محیط‌زیست به‌طور کلی و جلوگیری از انقراض یک جانور به‌طور خاص، نه تنها لازم که اتفاقاً همان‌طور که حمایت از یک فرد رنجور و بیمار، لازم و مهم است، دغدغه نکاستن از کیفیت زیست سالم و طبیعی نیز مهم و حیاتی است. پیش از این هم نوشت‌ام و باز تاکید می‌کنم در مباحث جدید توسعه، امروزه محیط‌زیست از یک بحث صرفاً حاشیه‌ای به متن موضوعات بسیار مهم بشری تبدیل شده است. مثلاً آلودگی هوا و آب، گرمایش زمین یا سوراخ‌شدن لایه ازن مساله‌های همه‌گیر و تاثیرگذار در سرنوشت همه بشر برای نسل‌هاست. به همین دلیل است که پیمان‌های بین‌المللی محیط‌زیستی نظیر «پیمان کیوتو» امروزه در کنار مهم‌ترین توافق‌های جهانی مورد بحث قرار می‌گیرند و دولت‌هایی که آن را امضا نکرده یا نمی‌کنند همواره مورد پرسش و چالش و انتقاد قرار دارند. دوستان «محمد» می‌گفت در دوران آقای خاتمی تلاش‌های مفید و امیدوارکننده محیط‌زیستی انجام شد ولی این روند در دوره آقای احمدی‌نژاد روند معکوس داشته و ابراز امیدواری می‌کرد که دوباره با توجه دولت آقای روحانی و شخص خانم ابتکار، امکان توجه و حمایت‌های بیشتر پدید آید. محیط‌زیست البته باید از یک مساله دولتی به موضوعی اجتماعی تبدیل شود. همه ما باید طبیعت‌مان را دوست داشته باشیم و برای بالا بردن جریان زندگی در آن کوشیم.

آکادمی

رشد همسایگان



عبدالرضا نامر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

● در شاهنامه می‌خوانیم که فریدون قلمرویش را بین سهرزندش تور و سلم و ایرج تقسیم کرد. ایران به ایرج این فرزند کوچک فریدون رسید، اما دو برادر بر او رشد بردند و او را کشتند.

داستان ایرج را شاید بتوان نمونه‌ای اسطوره‌ای دانست از حسد بیگانگان بر کشور ما و اگر به تاریخ بلند کشورمان نگاه کنیم می‌بینیم که ایران همواره در معرض آماج دشمنانی بوده که هر یک به قصد تاول ثروت‌های این مملکت به آن تاخته‌اند. وقتی خبر توافق ژنو را شنیدم من نیز همانند تمام ایرانیانی که تا صبح، نگران بیدار ماندن بودند تا خبر توافق نهایی را بشنوند بسیار خوشحال شدم. ولی بعد یاد همسایگانی افتادم که مغرضانه در هفته‌های گذشته چوب‌لای چرخ مذاکرات گذاشتند و از هر تلاشی برای به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات دریغ نکردند. برایشان مهم نبود که طرف اصلی این مذاکرات مردمی هستند که از تحریم‌ها رنج بسیار دیده‌اند. یادشان نبود که ایرانیان همواره درمانی صلح‌طلب هستند. با خردم فکر کردم که چقدر ما ایرانیان تنهاسیم و انگار در طول تاریخ همواره تنها بوده‌ایم. می‌توان آن لحظه‌ای را تصور کرد که سلم و تور فقط به چشمداشت تخت شاهنشاهی خون ایرج را بر زمین ریختند و ندای ایرج را نشنیدند که می‌گفت این تخت ارزش خون‌ریختن را ندارد. همسایگان ما که خود اینگونه شمشر از رو بسته‌اند و برای از بین بردن جایگاه ایران دست به هر تلاشی می‌زنند، صدای میلیون‌ها ایرانی را نمی‌شنوند که همچوا با هم تکرار می‌کنند که ما انسان‌های صلح‌طلبی هستیم و فقط می‌خواهیم در صلح و آرامش زندگی کنیم. آن‌روزها و این‌روزها که دشمنانمان بر ما می‌تاختند و می‌تازند در نظرم آمد که سلم و تور خنجر آبلون کشیده در انتظار کشتن ایرج هستند، ولی صدای رسای او را نمی‌شنوند.

سامسونگ

SAMSUNG

فوتبال باز هم با سامسونگ



SMART TV 75F8880

فرصت ارسال کارت برای اولین قرعه‌کشی

۱۰ مسافر اول سامسونگ فقط تا ۱۹/۹/۹۲

قرعه‌کشی ۱۰۰ سفر به برزیل

برای خریداران تلویزیون های LED/LCD/PDP

فقط با ضمانت سامسونگ
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵۰۰ سرویس

برای اطلاع از قوانین و مقررات حتما به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.

SAMSUNG